

«من این را با همه وجود معتقدم» که دانشگاه نه فقط از لحاظ علمی، بلکه حتی از لحاظ روشن بینی دینی و عمق ایمان مذهبی هم پیش رفته است، از این جهت دچار مشکل نیستیم لیکن آنچه باید بشود نشده است. یعنی هنوز دانشگاه اسلامی نشده است.»^(۱)

ما در این مقال برآنیم که به مناسبت این روز عظیم که سالگرد شهادت بزرگ مردی از منادیان آغازین این وحدت مبارک و طیبه است، به طور اجمال اشاره‌ای به روند اسلامی شدن دانشگاهها و اقدامات بایسته‌ای که در این حرکت عظیم وجود دارد، بنماییم.

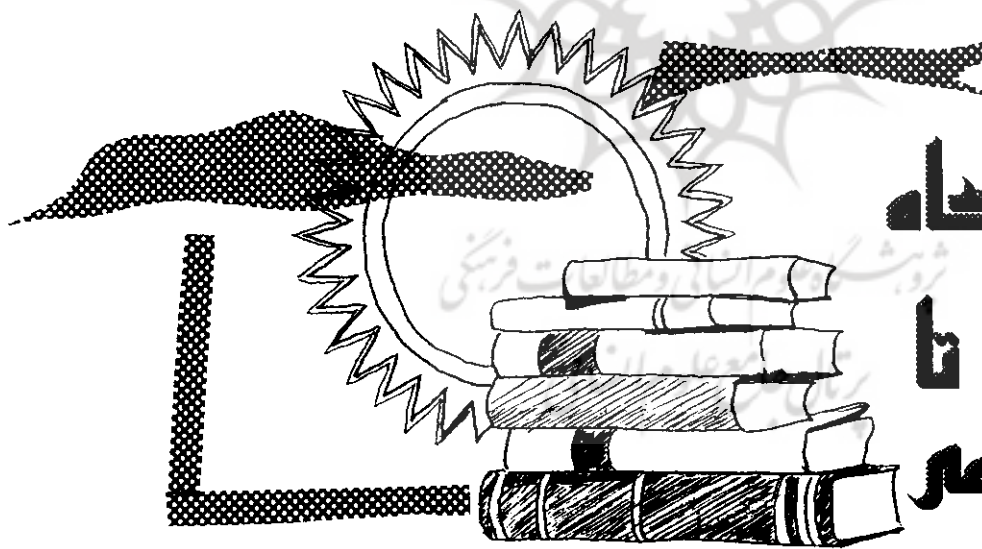
ناگفته پیداست که بنیان دانشگاه در جهان براساس سکولاریسم پایه‌ریزی شده و قبل از پیروزی انقلاب، تأسیس دانشگاه‌ها در ایران هم از این قاعده کلی مستثنی نبوده‌اند. بنابراین اگر گفته شود دانشگاه در ایران بیمار متولد شده است سخن گزافی نیست.

به بیان مقام معظم رهبری:

«بنای دانشگاه از ابتدا یک بنای غیر دینی بلکه ضد دینی

حرکت عظیم انقلاب اسلامی، تغییری بنیادی و ماهوی در روند حاکمیت حکومت‌های منطقه و بلکه بعضاً در سطح جهانی ایجاد نمود، حرکتی که به جای نظام سلطه، اصالت انسان و حاکمیت او، بندگی و عبودیت انسان و خدا محوری را به ارمغان آورد. در این بینش والا نهایت آمال و آرزوی انسان، انجام وظیفه در جهت حاکمیت ارزشهای الهی است نه رسیدن به امیال دنیوی و مادی.

این امر مهم و شعار مقدس هنگامی متحقق می‌شود که تربیت انسانها در آن راستا قرار گرفته و برنامه‌ریزی‌های کلی فرهنگی و تربیتی کشور به چنین سمت و سویی جهت‌گیری شوند. به فرموده امام راحل (ره): «اگر علم بر قلب تربیت شده‌ای وارد شود بوی عطرش عالم را فرا می‌گیرد.»^(۲)



از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی

سهراب مروقی*

بوده است. همانند روشنفکری که در کشور ما از ابتدا بی‌دین متولد شده است. منتها، این از خاصیت دین است که برای نفوذ در یک محیط، منتظر اجازه کسی نمی‌ماند و لذا همانند جاهای مختلف و محیطهای انسانی، دین هم در دانشگاه و هم در محیط روشنفکری نفوذ کرد و همه جارفت.» می‌توان گفت که یافت حاکم بر دانشگاههای ما هنوز

بنابراین، استمرار و برکات این رخداد بی‌نظیر تاریخی مستقیماً با تربیت انسانها ارتباط برقرار می‌کند. اگر انسانهای جامعه، صالح و متقی تربیت شوند انقلاب، زنده و تفکر اسلامی، پاینده خواهد ماند، ولی اگر ناصحیح و ناصالح تربیت شوند، بستر ترک برداشتن دیوار مستحکم نظام جمهوری اسلامی فراهم خواهد شد. از این رو لازم است به نهادهایی که عهده‌دار چنین رسالت سترگی هستند یعنی حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور، توجه ویژه و عنایت خاص معطوف گردد.

اسلامی نشده و گرایش به برنامه‌های غربی امکان خود را از دست نداده است. دانشگاهی که بیمار متولد شده و زیربنا و سنگ آغازین آن بر پایه بی‌دینی و لائیک‌گذارده شده، نیازمند تغییر بنیادی و ماهیتی است و اگر نگرشهای اصلاحی متوجه صورتها و ظواهر باشد یقیناً مطلوبترین نتیجه‌ای که بدست خواهد آمد جمع بین دین‌ورزی و لیبرالیسم اجتماعی خواهد بود و حرفهای سکولاریسم از زبان کسانی زده می‌شود که ظاهراً متشرع هستند. افراد فارغ التحصیل چنین دانشگاهی نه تنها خویشتن را در اختیار دین قرار نمی‌دهند، بلکه از دین به عنوان وسیله و ابزاری برای رسیدن به اهداف دنیوی خویش استفاده می‌نمایند.

در حقیقت، اصلاح دانشگاه اصلاح فرهنگ است و اصلاح و پالایش فرهنگ در حقیقت اصلاح جامعه است. نخستین سؤالی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود این است که منظور از اسلامی شدن دانشگاهها چیست؟ دانشگاه اسلامی به چه دانشگاهی گفته می‌شود و چه تفاوت‌های با دانشگاه غیر اسلامی دارد؟ و در نتیجه مشکل اساسی‌ای که اکنون گریبانگر دانشگاههای ماست چه مسائلی است؟ در پاسخ به این پرسشها می‌توان گفت که اسلامی شدن دانشگاهها دو جنبه باید مد نظر قرار گیرد:

۱- جنبه روبنایی، ۲- جنبه زیربنایی.

۱- جنبه روبنایی

این جنبه، مربوط به آن اموریست که چهره ظاهری و صوری دانشگاهها را شکل می‌دهد. مثلاً اگر در دانشگاهها شعائر اسلامی رعایت شود، شئونات غیر اسلامی در آن مطرود و محکوم باشد، ظواهر امور اصلاح شده و نمازهای جماعت برگزار و تشکیلات اسلامی پایدار باقی بمانند و سلوک عمومی برخلاف مسلمت اسلامی نباشد، این دانشگاه ظاهری اسلامی دارد. این ظاهر آراسته ضرورتی غیر قابل انفکاک از دانشگاه اسلامی و در حد شرط لازم است اما کافی نیست، چرا که انجام امور فوق وقتی همراه با محتوا و باطن و بینش دقیق و عمیق همراه نباشد، افراد را بیشتر متظاهر به انجام و رعایت امور دینی می‌گرداند تا مشتاق به انجام آنها و این موارد انسان را به یاد آن قصه تلخی می‌اندازد که مدیری هنگام بازدید مافوقش به کارمندان اصرار کرده بود که سریعتر به نماز جماعت بیایند. در جواب گفته بودند که وضو نداریم، ایشان پاسخ داده بود اشکالی ندارد اول بیایید نماز را بخوانید بعداً وضو بسازید.

تاکنون بیشتر اقداماتی که پس از حرکت انقلاب فرهنگی انجام پذیرفته است مانند ایجاد شورای عالی انقلاب فرهنگی، تشکیل هسته‌های گزینش، جهاد دانشگاهی و غیره در عمل بیشتر متوجه این بعد از قضیه بوده و به همین دلیل است که مقام معظم رهبری فرمودند:

«اگر خواستید این کار را بکنید، همان سرچشمه مقدسی که بعدها دیگران از آن تقدیر خواهند کرد و بشریت از آن منتفع خواهد شد، به وجود می‌آید، تا حالا هنوز بوجود نیامده است.»^(۳)

۲- جنبه زیربنایی

در دانشگاه اسلامی توجه به علم در اولویت اول است اما از آن به عنوان وسیله و ابزاری برای رسیدن به قرب الهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این وضعیت و در چنین مرکزی، علم وسیله است نه هدف و رسالت علم هم الهی کردن انسانهاست نه مادی کردن آنها. هدف، قطع تعلقات دنیوی است نه وابستگی به زرق و برق آن و محور اصلی، انجام تکلیف است نه کسب منفعت. خلاصه می‌توان گفت در دانشگاه اسلامی، عالم علم را به عنوان وسیله‌ای برای تکامل روحی و طی درجات الهی و سیر و سلوک مورد استفاده قرار می‌دهد و علم در چنین دانشگاهی، صیغه الهی دارد نه رنگ مادی و استقلال آور است نه مرعوب پرور.

رهبر فرزانه انقلاب فرمودند:

«مادامی که دانشگاه پرورشگاه متخصصین مسلمان و متعهد نباشد مطلوب انقلاب نخواهد بود و این ممکن نیست مگر اینکه اساس و روش و سیستم در دانشگاهها اسلامی باشد.»^(۴)

دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که علم آموزی در آن عبادت، تحقیق و پژوهش در اولویت، پرورش روحیه تعهد و رسالت‌مداری زیربنا، مقدم داشتن دردهای جامعه و مشکلات آن اصل، حفظ حدود الله و وظیفه و تخلق به اخلاق اسلامی، زینت لازم است.

بدیهی است هنگامی که این امور متحقق شوند، تحولی بنیادین و ماهوی در دانشگاهها بوجود می‌آید به طوری که ضمن تقویت روحیه علمی و پرورش استعدادها، فارغ‌التحصیلان آن متخصصان و کارشناسان متعهد و دردمند و دارای اخلاق اسلامی باشند.

ناگفته نماند که در راستای عملی نمودن این مهم موانعی در مسیر راه وجود دارد که برای اصلاح برخی و رفع برخی دیگر، تعمق و برنامه‌ریزی صحیح و منطقی لازم است.

برای روشن شدن این گونه موارد به ذکر پاره‌ای از آنها می‌پردازیم:

۱- چون فرهنگ جامعه از دانشگاه نشأت می‌گیرد، دانشگاهها ضروری است. متأسفانه در پاره‌ای از موارد این بینش وجود نداشته و ارزش و حاکمیت خود را از دست داده و فضای آزاد و روح بخش دینی کمرنگ شده تا جایی که پندار جدایی علم از دین را به بار آورده است.

۲- عدم تبیین درست و واقع‌بینانه دین برای دانشجویان و در نتیجه عدم اطلاع درست از مفاهیم دینی و اعتقادات و باورها و ارزشهای اخلاقی که تساهل و تسامح در امور دینی معلول آن است، مانعی جدی در مقابل اسلامی شدن دانشگاهها به حساب می‌آید.

۳- ورود افراد بی تفاوت، لیبرال منش و در پاره‌ای از موارد معاند در کالبد دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و همچنین ساختار اجرایی و آموزشی بیمار کنونی، از موانع جدی و قابل توجه‌اند.

۴- عدم الگو دهی مناسب به جامعه و همچنین دانشگاهها، تضاد و اصطکاک در میان برخی الگوهای موجه و تقابل نهادهای فرهنگی متعدد با یکدیگر، موانع حساسی را در پیش روی موضوع اسلامی شدن دانشگاههای کشور گشوده است.

۵- وضعیت نامطلوب کتابها و منابع و متون درسی دانشگاهها بالاخص منابع و متون ترجمه شده، خود از جمله موانع مهم و حساس است.

۶- رشد کمی و روز افزون مراکز آموزش عالی و عدم توجه به کیفیت آموزشی، از دیگر موانع پیش‌روست.

راهکارهای عملی

نخستین نکته‌ای که در این باره با قطع و یقین می‌توان بیان کرد این است که برای رسیدن به این مطلوب ارزشمند، عزم عمومی دانشگاهیان و غیرت دینی و باورمندی نیاز است. توجه به مقررات اداری، تکیه بر افراد غرب زده و متظاهر به اسلام که با روح اسلام و بینش دینی بیگانه و در نهایت مفتون فرهنگ غرب هستند، انجام چنین عمل جسورانه‌ای را ناممکن خواهد ساخت. قدم آغازین در این اقدام سترگ، ارزیابی وضعیت فکری و بینشی دست اندرکاران و مسئولان مراکز آموزش عالی و گزینش و پالایش آنها و سپردن مسئولیت به افراد متدین، غیرتمند، انقلابی، عالم و فکور

می‌باشد. اقدامات بایسته دیگر را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱- برنامه‌های کوتاه مدت، ۲- برنامه‌های بلند مدت.

۱- برنامه‌های کوتاه مدت

بیشتر جنبه سامان دهی به بُعد ظاهری دانشگاه را در پی داشته و در واقع بستر و مقدمه اقدامات بلند مدت محسوب می‌گردند. ذیلاً به پاره‌ای از برنامه‌های کوتاه مدت به طور اجمال اشاره می‌گردد:

۱- برگزاری همایش‌ها و گردهمایی‌ها برای تبیین دقیق موضوع اسلامی شدن دانشگاهها، چرا که موضوع برای بسیاری هنوز روشن نشده است.

۲- وارد کردن نیروهای مسلمان، معتقد، دردمند و انقلابی به پیکره فکری و مدیریتی دانشگاه.

۳- طرد نیروهای معاند، لیبرال منش، بی تفاوت و غرب زده از مسئولیت‌های مدیریتی و فکری دانشگاهی.

۴- حمایت سازمان یافته و قانونمند از نیروهای حزب اللهی.

۵- گزینش دقیق و به سامان اعضای هیئت علمی.

۶- اصلاح و تقویت رشته‌های علوم انسانی.

۷- ایجاد رنگ و صبغه دینی و اسلامی در محیط و فضای دانشگاه.

۸- دقت تام در گزینش منابع و متون ارائه شده و نظارت مستمر بر آنها.

۹- تقویت تشکلهای اسلامی و تصحیح روند حاکم بر آنها.

۱۰- ایجاد رقابت صحیح و اصولی در بین دانشجویان.

۱۱- ارائه الگوهای متعالی، بالنده و محبوب به فضای دانشگاه.

۱۲- اقدام در تغییر ساختار آموزشی و پرورشی دانشگاه.

۱۳- اقدام در تغییر ساختار اداری دانشگاه.

۱۴- تدوین قوانین و مقررات عمومی لازم‌الرعایه بر اساس موازین اخلاق و ادب اسلامی.

۱۵- تشکیل کمیته‌ای خاص در راستای رفع تنگنایهای مادی اعضای هیئت علمی و اساتید دانشگاهها.

۲- برنامه‌های بلند مدت

این گونه اقدامات بیشتر متوجه بعد زیربنایی و باطنی دانشگاه است و زمانی تحقق می‌پذیرد که توان ایجاد تغییر ماهوی و زیربنایی در دانشگاه میسر مقدور باشد. بنیاد سست و لرزان، نمی‌تواند دانشگاه را به یک دانشگاه طربناک،

بالنده، پویا و اسلامی تبدیل نماید. محورهایی که در این بخش باید مورد مذاقه قرار گیرند عبارتند از:

الف - تربیت اعضای هیأت علمی متعهد

تربیت و آموزش اعضای هیئت علمی با دانش و بینش توحیدی که عمل به تکلیف را سرلوحه کار خویش قرار داده و به جای اینکه صرفاً شعار اسلامی بدهند شعورشان اسلامی باشد. اساسی‌ترین و محوری‌ترین اقدام در این امر مقدس همین کار است، زیرا مدار و محور اصلی حرکات دانشگاه، در اختیار این مجموعه است. تا زمانی که این مهم محقق نگردد یعنی اساتید دانشگاه جهت گیری کاملاً اسلامی نداشته باشند و روح و غیرت دینی بر پیکره وجودی آنها حاکمیت پیدا نکند، تصور اسلامی کردن دانشگاهها در حقیقت آب در هاون کوبیدن است.

به واقع، «در تربیت دانشجو دو عنصر اصلی مطرح است که هیچکدام نباید مورد غفلت قرار گیرد. یکی علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعدادهاى علمى است و دیگری روحیه تدبیر و حرکت صحیح و سالم سازی معنوی و روحی دانشجو است»^(۵).

ب - تصحیح منابع موجود و تولید منابع و متون اسلامی

دانشگاه اسلامی، با متون و منابع غیر اسلامی شکل نمی‌گیرد. بعضی از متون درسی دانشگاهی موجود ما براساس فرهنگی تدوین شده که دین زدایی و دین گریزی مبنای لاینفک آن بوده است. در حقیقت، این انگاره ذهنی که چون غرب در علوم مختلف پیشرفت کرده پس باید در تمام علوم از آنها استفاده نمود، مطلبی مجمل، خطا و غلط انداز است. برای اصلاح روند فعلی، باید گروههایی از اندیشمندان و پژوهشگران زبده و متعهد، کتب برگرفته از غرب را مورد مذاقه قرار داده و آنها را نقد نمایند و تولید منابع و متون اسلامی علمی مطابق با ارزشهای اسلامی را باید در رأس برنامه‌ها قرار دهند.

ج - مصونیت فرهنگی و ایمن سازی

یکی از خطرات جدی‌ای که جامعه اسلامی را به شدت تهدید می‌نماید تهاجم فرهنگی و القاء خود کم بینی است؛ و سه خصلت: مرعوب و مجذوب دیگران شدن، الگوگیری از اغیار، مفتون و مطعون بیگانگان بودن از عواقب خسران‌آور آن است. این امور، قبل از دیگر بخشهای جامعه دانشگاه و فرهنگ حاکم بر دانشگاهها را تهدید می‌کند و لذا باید با

برنامه‌ریزی‌های حساب شده، ضمن مبارزه با تهاجم فرهنگی، آسیب شناسی فرهنگی را به انجام رساند تا با دید و بینشی واقع بینانه جامعه فرهنگی را مصون نمود.

د - برنامه‌ریزی فرهنگی

فرهنگ حاکم بر جامعه تأثیر ناآگاهانه و آگاهانه خویش را به افراد جامعه القاء می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که فرهنگ عمومی نیاز به پالایش دارد. این پالایش در صورتی میسر است که برنامه و سیاستگذاری منسجم فرهنگی در کشور تدوین شود، در غیر این صورت هر کس به تصورات خویش عمل می‌کند و چه بسا که آن تصورات به خطا باشند.

ه - نهادینه کردن ارزشها

قانونمند و نهادینه کردن ارزشهای اخلاقی حاکم بر جامعه و پرهیز از کم رنگی و یا غلیظ نمودن آنها، ضرورتی حساس در برنامه‌ریزی‌های درازمدت است. دانشگاه اسلامی، هنگامی مستحکم خواهد شد که ارزشها و ضد ارزشها در جامعه شناخته و دسته اول تثبیت و دسته دوم نفی شوند. در نتیجه، رفع تضاد و ناهماهنگی بین فضاهاى حاکم بر مراکز فرهنگی آموزشی با فضای حاکم بر جامعه و همگون نمودن این فضاها ضرورتی انکار ناپذیر است.

سخن آخر اینکه، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی از لحاظ علمی و بینش دینی رشد بایسته‌ای داشته‌اند اما با وضعیت مطلوب هنوز فاصله زیادی دارند و دانشگاه ایده‌آل و مطلوب، هنگامی تحقق می‌پذیرد که وحدت حوزه و دانشگاه تحقق یابد و دانشگاه اسلامی بستر شایسته این وحدت مقدس به حساب آید.

منابع و مآخذ

- ۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ۷۵/۲/۲۹ مسئولین وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۲- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۷.
- ۳- سخنان رهبر انقلاب در دیدار ۷۵/۲/۲۹ مسئولین وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۴- سخنان رهبر انقلاب در دیدار با گروهی از طلاب و دانشجویان ۶۹/۹/۲۸
- ۵- سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی ۷۰/۹/۲۰.